

بازاندیشی آراء استاد مطهری (۳)

## مطهری و فلسفه دین

به اهتمام:

رضا اکبری

سرشناسه: اکبری، رضا، ۱۳۴۷ -، گردآورنده

عنوان و نام پدیدآور: مطهری و فلسفه دین / به اهتمام رضا اکبری.

مشخصات نشر: تهران: بنیاد علمی و فرهنگی علامه مرتضی مطهری، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۱ ج. (بدون شماره گذاری).

فروست: بازاندیشی آراء استاد مطهری؛ ۳.

شابک: 978-600-94254-8-8

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: مطهری، مرتضی، ۱۲۹۸ - ۱۳۵۸ -- نظریه درباره دین

موضوع: مطهری، مرتضی، ۱۲۹۸ - ۱۳۵۸ -- نقد و تفسیر.

موضوع: دین

ردم دی کنگره: ۶۷ ۱۳۹۵ الف ۶/م ۲۳۳/۷ BP

شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۱۲۷۸۲



بنیاد علمی و فرهنگی علامه مرتضی مطهری

بازاندیشی آراء استاد مطهری (۳)

مطهری و فلسفه دین

به اهتمام: رضا اکبری

© حق چاپ: ۱۳۹۵، بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مرتضی مطهری

ویراستار: محمد ابراهیم باسط

صفحه پردازی: گرافیک دیبا

گل روی جلد: اثر استاد پرویز اسکندریور خرمی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۲۵۴-۸-۸

ISBN: 978-600-94254-8-8

نویت چاپ: اول

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۴۰/۰۰۰ ریال

نشانی: تهران، خیابان دیباجی جنوبی، خیابان سنجایی، بین پست مریم، شماره ۴. تلفن: ۲۲۷۷۳۵۹۵ (۰۲۱). نمابر: ۲۲۷۷۳۶۶۱ (۰۲۱).

قم، بلوار عطاران، بین کوچه ۸ و ۱۰، شماره ۱۳۴. تلفن: ۳۲۹۳۵۸۷۰ (۰۲۵). نمابر: ۳۲۹۳۵۶۹۱ (۰۲۵).

www.motahari.ir  
info@motahari.ir

## سخن نخست

استاد شهید آیت الله مرتضی مطهری از برجسته‌ترین رهبران فکری انقلاب اسلامی است و بسیاری به دستی او را تأثیرگذارترین متفکر بر اندیشه دینی و اجتماعی ایران معاصر می‌دانند، با این همه هنوز همه اسناد کار این شخصیت سترگ واکاوی نشده است. هرچند وی بیش از هشتاد روز از ایام پس از پیروزی انقلاب اسلامی را درک نکرده بود که به دست کوردلان به شهادت رسید، اما آثار و اندیشه‌های او محدود به نیازهای فکری دوران مبارزه نیست، بلکه گنجینه‌ای است برای همه کسانی که می‌خواهند بی‌افشایان نظری و عملی اسلام آشنا شوند. از این منظر، آراء و آثار وی در مسیر جامعه‌سازی دینی همچنان می‌تواند محل ارجاع و استناد واقع گردد.

چند سالی است بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مرتضی مطهری با هدف تبیین اندیشه‌های استاد مطهری و نیز بررسی مبنایی جهت‌گیری‌های کلان جامعه‌سازی دینی، بازخوانی و بررسی آراء این متفکر شهید در حوزه‌های مختلف از جمله اسناد جدید، فلسفه دین، فلسفه حقوق، تفسیر، آسیب‌شناسی فرهنگی و... را در دستور کار خود قرار داده است. شیوه کار در همه این مجموعه‌ها بدین ترتیب است که ابتدا همه مباحث مرتبط با هر یک از این موضوعات در آثار استاد مطهری استخراج گردیده و پس از دسته‌بندی در اختیار یکی از اساتید به عنوان مدیر علمی طرح قرار می‌گیرد. پس از استخراج موضوعات قابل توجه، هر کدام از موضوعات به همراه منابع مرتبط در آثار استاد، برای نگارش مقاله به یکی از استادان حوزه مربوطه واگذار می‌شود و مدیر طرح تا انتها بر روند کار نظارت می‌کند.

کتاب حاضر پژوهشی از این دست در حوزه فلسفه دین است. اصطلاح «فلسفه دین» در آثار شهید مطهری به دو صورت به کار رفته است: فلسفه دین به معنای فلسفه بعثت انبیاء و دیگر، فلسفه دین به عنوان نام یک رشته علمی. مبحث اول بحثی شناخته شده و با سابقه طولانی در کلام اسلامی است ولی فلسفه دین به معنای یک رشته و حوزه پژوهشی، اصطلاح رایجی در

ایران در زمان حیات پربرکت استاد شهید نبوده است. لذا فلسفه دین به معنای دوم تنها چند بار در آثار استاد به کار رفته و تعریف منقحی در میان فارسی زبانان در آن زمان نداشته است. با این حال موضوعات بسیاری که امروز در زمره مسائل فلسفه دین و کلام جدید به حساب می آیند در کتب استاد مورد بحث قرار گرفته است. بر خلاف آنچه ممکن است در ابتدای تصور شود موضوعاتی از جنس فلسفه دین در آثار شهید مطهری صرفاً مسائلی مانند اثبات وجود خدا و مسئله شر، که از مشترکات میان الهیات فلسفی و فلسفه دین هستند، نیست بلکه مسائل جدیدتری مانند پلورالیزم را نیز در بر می گیرد. به علاوه، برخی مسائل فلسفه دین مانند دلیل اختفای الهی که ذکر مستقیمی از آنها در آثار استاد نیست و در چند دهه اخیر مطرح شده اند کاملاً راند سه های استاد قابل پیگیری است.

عناوین مقاله ها کتاب حاضر بیان گر میزان اهتمام استاد شهید به مسائل مختلف فلسفه دین در اصطلاح رایج است. نویسنده فاضل مقاله چهارم این مجموعه در پایان نوشتار خود چنین می نویسد: «در مدت نگارش این مقاله، که فرصتی برای بررسی بیشتر آثار او دست داد، دین من به او بیشتر و عظمت او در جهان، من دوچندان گشت (ص ۱۱۶ همین کتاب)».

بنیاد علمی و فرهنگی شهید مطهری با ریت پروژه «مطهری و فلسفه دین» را به جناب آقای دکتر رضا اکبری استاد فاضل و سختکوش که اراد تالیفات گوناگون در حوزه فلسفه دین بوده و پروژه های مختلفی را با شایستگی مدیریت کرده اند سپرد. اینک به فضل الهی این پروژه پس از تلاش مجدانه ایشان و استادان ارجمندی که همگی در این امر فن نام آشنا هستند به بار نشسته است که از همه محققان بزرگوار صمیمانه قدردانی می شود.

امید است مقالات حاضر گامی در مسیر تبیین ابعاد دین دیش اسلامی، که جامعه امروز سخت بدان نیازمند است، برداشته باشد. بنیاد علمی و فرهنگی شهید مطهری از همکاری متخصصان رشته های گوناگون که مایل به انجام پژوهش هایی مرتبط با اندیشه های پربار استاد مطهری هستند استقبال می کند.

**بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مرتضی مطهری**

**معاونت پژوهش**

**فروردین ۱۳۹۵**

## فهرست

|     |                                                          |
|-----|----------------------------------------------------------|
| ۹   | مقدمه                                                    |
|     | مطهری و مسئله شناخت خدا                                  |
| ۲۱  | محمد سعید مهر                                            |
|     | مطهری و برهان‌ها اثبات وجود خدا                          |
| ۴۱  | محمدصادق زاهدی                                           |
|     | مطهری و معرفت‌شناسی دین : زکاوت نظریه دلیل‌گرایی اعتدالی |
| ۶۳  | قاسم پورحسین                                             |
|     | کاربردهای دینی زبان از دیدگاه شهید مطهری                 |
| ۹۳  | محمدعلی عبداللهی                                         |
|     | قلمرو دین از دیدگاه شهید مطهری                           |
| ۱۱۹ | عبدالحسین خسروپناه                                       |
|     | نسبت دین و اخلاق از دیدگاه شهید مطهری                    |
| ۱۳۷ | محسن جوادی                                               |
|     | کثرت‌گرایی دینی از منظر شهید مطهری                       |
| ۱۵۹ | علی شیروانی                                              |
|     | رابطه علم و دین از منظر شهید مطهری                       |
| ۱۷۹ | محمدحسین مهدوی نژاد                                      |
|     | مواجهه فیلسوفانه مطهری با نظریه تکامل داروینی            |
| ۱۹۹ | سید حسن اسلامی                                           |
| ۲۲۳ | نمایه                                                    |

## مقدمه

شهید مطهری با شناخت مناسب از سنت اسلامی، از یک سو، و ارتباط با بدنه نخبگانی جامعه دینی، از سوی دیگر، در کنار بازتقریر مخاطب‌فهم مباحث سنتی در قالب زبان روز، با نگاهی مسئله‌یاب به مسائل جدید نیز توجه کرده‌اند. بازتقریر سنت در لباس نو و مسئله‌یابی‌های جدید، در کنار توجه ویژه شهید مطهری، به نقش اجتماعی عالمان در روند تغییرات علمی سبب شد که ایشان دیدگاه‌های خود را در قالب کتاب، سخنرانی و تدریس در دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمی، در اختیار طبقات مختلف جامعه قرار دادند که به نوبه خود سبب نفوذ اندیشه ایشان در لایه‌های مختلف اجتماعی گردید، نفوذی که تاکنون نیز استمرار یافته و بوی طراوت و تازگی از اندیشه‌های ایشان به مشام می‌رسد.

نگاه متألهانه مطهری طیف وسیعی از مباحث اعتقادی را در بر می‌گیرد. مسئله خدا، مسئله رابطه دین و اخلاق، مسئله رابطه علم و دین، مسئله حجاب، ساختن روحانیت، مسئله اقتصاد اسلامی، مسئله عاشورا، نقد نگاه‌های سوسیالیستی به جامعه و... تنها چند نمونه از مسائل متعددی است که مطهری به آنها پرداخته است. تنوع مطالب مورد توجه شهید مطهری، در کنار نگاه تیزبین و دقیق ایشان، فضایی بسیار مناسب برای تحقیق فراهم آورده است.

مسئله فلسفه دین به طور صریح مورد توجه شهید مطهری بوده است. وجود گنجینه ارزشمند آثار ایشان، در کنار توجه به این واقعیت که مباحث فلسفه دین در حال حاضر در فضای علمی کشور اهمیت یافته و در قالب انجمن‌های علمی و رشته‌های دانشگاهی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا به آن پرداخته می‌شود - که به نوبه خود نشانگر وجود اساتید توانمند و دانشجویان

علاقه‌مند است - عاملی شد تا متنی مختصر و اولیه را به توضیح دیدگاه‌های ایشان در مباحث فلسفه دین اختصاص دهیم.

اساتید معظم از مراکز مختلف علمی دست یاری ما را به گرمی فشردند و با سخاوت علمی مثال‌زدنی ما را از تحقیقات خود بهره‌مند کردند. حاصل کار آن چیزی است که در قالب ۹ مقاله در اختیار شما خوانندگان عزیز قرار گرفته و امیدواریم که مقبول قرار گیرد. این امید را داریم که ان‌شاءالله، با مشارکت دیگر اساتید معظم، این متن کامل‌تر گردد و به متنی درسی یا کمک‌درسی در دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمی تبدیل شود.

مقالات این مجموعه، به ترتیب، به مسائل خدا، معرفت دینی، زبان دین، قلمرو دین، دین و اخلاق، کثرت‌رایی دینی و علم و دین پرداخته‌اند. در مسئله علم و دین دو مقاله، در مسئله خدا دو مقاله، و در هر یک از دیگر مسائل یادشده یک مقاله در این مجموعه آمده است. جای دارد که برای آشنایی اولیه خوانندگان معرّم، درباره هر یک از مقالات مختصراً توضیحاتی را ارائه کنیم. دکتر محمد سعیدی‌مهر، در مقاله‌اش با عنوان «مطهری و مسئله شناخت خدا»، بر آن است تا دیدگاه شهید مطهری را دربارهٔ نسبت انسان به خداوند تحلیل کند. لذا این مقاله به عرصه معرفت‌شناسی دینی اختصاص دارد. شهید مطهری معتقدند که بینش انسان از حیث گستره و عمق قابل قیاس با دیگر حیوانات نیست و به سبب این گستره و عمق، انسان دارای جهان‌بینی است. جهان‌بینی‌های انسان‌ها متنوع است، به گونه‌ای که می‌توان از جهان‌بینی دینی، جهان‌بینی فلسفی و جهان‌بینی علمی سخن گفت. جهان‌بینی علّی از ویژگی مهم ثبات و شمول برخوردار نیست و به همین دلیل است که جهان‌بینی فلسفی بر آن برتری دارد. جهان‌بینی دینی، در کنار داشتن دو ویژگی مشترک ثبات و شمول با جهان‌بینی فلسفی، از مزیت قداست‌بخشی به اصول جهان‌بینی نیز برخوردار است. شهید مطهری پنج ویژگی را برای جهان‌بینی مطلوب برمی‌شمرند که عبارت‌اند از قابلیت استدلال، معنابخشی به زندگی، آرمان‌سازی، تقدس‌بخشی به اهداف و تعهدآوری. ایشان معتقدند که این پنج ویژگی در جهان‌بینی توحیدی وجود دارد. انسان با توجه به گستره و عمق شناخت خود می‌تواند دربارهٔ

خداوند نیز تفکر کند. تفکر درباره خداوند نه تنها امری ممکن بلکه امری ضروری است. تفکر در این مقام بالاتر از عبادات بدنی محسوب می‌شود. البته چنین تفکری دارای محدودیت است. انسان نمی‌تواند به کنه خداوند پی ببرد و نتیجه‌بخشی تفکر انسان محدود به شناخت اوصاف و افعال الهی است. در این مقام، خداوند با توجه به هدایتگری خود نسبت به انسان، علاوه بر ذکر لغزشگاه‌های تفکر، منابع لازم برای فعلیت بخشیدن به قوای معرفتی انسان را از طریق متون مقدس و پیام‌ان در اختیار او قرار می‌دهد. تکیه بر ظن، پیروی از هوی و هوس، شتابزدگی در داوری، تبعات غیرعقلی از گذشتگان و عدم استقلال اندیشه از لغزشگاه‌های تفکر، و مواردی همچون طبیعت، ارباب و ضمیر انسان از منابع و بسترهای معرفت‌اند. تفکر انسان درباره خداوند، علاوه بر ارزش ذاتی، دارای فواید فردی همچون آرامش روحی و فواید اجتماعی همچون عدالت است. دکتر سعیدی مهر در پایان مقاله، به این نکته می‌پردازد که شهید مطهری مفهوم خداوند را یک معقول فلسفی می‌داند که از کنار هم قرار گرفتن مفاهیمی مثل وجوب، علت نخستین و خالق کل به دست آمده است.

دکتر محمدصادق زاهدی، در مقاله «مطهری و برهان‌های اثبات وجود خداوند»، خوانندگان را با مواجهه معرفتی شهید مطهری با تصور خداوند و گزاره «خدا وجود دارد» آشنا کرده‌اند. مقاله روشن می‌سازد که شهید مطهری توأمان از دو روش اثبات عقلی، که عقل‌مدار است، و الیهات ایمانی، که مبتنی بر دل و ایمان دینی است، بهره جسته است. این نگاه سبب شده که در آثار ایشان سه رویکرد برای مواجهه با گزاره «خدا وجود دارد» معرفی شود. رویکرد اول، که راه دل، راه فطرت و راه روانی نام‌گذاری شده است، مبتنی بر ایمان و البته موجه به اخلاص اعتبار آن است. رویکرد دوم، که با عناوینی همچون راه حس، راه علم، راه طبیعت و راه شبه‌فلسفی از آن یاد می‌شود، توجه عقلانی به عالم است. رویکرد سوم نیز راهی کاملاً عقلی و فلسفی است. شهید مطهری رویکرد اول را لذیذترین روش برای شناخت و پذیرش وجود خداوند می‌داند و در عین حال بر فردی بودن آن تأکید دارند. رویکرد دوم جنبه‌ای عمومی‌تر دارد و برای بسیاری از انسان‌ها سودمند است. رویکرد سوم همان طریقی است که یقین مطلوب را حاصل می‌کند. در آثار شهید مطهری می‌توان مجموعاً هفت استدلال را در قالب سه رویکرد یادشده به دست

آورد: برهان فطرت، برهان نظم، برهان هدایت، برهان حدوث، برهان حرکت، برهان علیت و برهان صدیقین. شهید مطهری بر دو برهان نظم و صدیقین تأکید بیشتری دارند. در کنار مباحث فوق، که به مواجهه با گزاره «خدا وجود دارد» اختصاص دارد، در این مقاله، نکات متعددی نیز درباره مواجهه با تصور خداوند ذکر شده است.

دکتر قاسم پورحسن، در مقاله خود با عنوان «مطهری و معرفت‌شناسی دینی: بازکاوی نظریه دلیل‌گرایی اعتدالی»، نحوه مواجهه معرفت‌شناختی شهید مطهری با باورهای دینی را بررسی کرده‌اند. نه‌سنده معتقد است که شهید مطهری در مسئله توجیه معرفت‌شناختی یک مبنای هستند که در کنار گزاره‌های استنتاجی، بر اساس استدلال تسلسل معرفتی، گزاره‌های پایه را نیز پذیرفته‌اند. از منظر شهید مطهری گزاره‌های پایه در نهایت در علم حضوری ریشه دارند و خطاناپذیرند. موجه بران بر مای استنتاجی نیازمند قوه عقل و استفاده از دلیل مناسب است. وظیفه معرفتی هر فردی در مواجهه با گزاره‌ای که در گزاره‌های بدیهی نمی‌گنجد اقامه دلیل است. مطهری نگاه خود به توجیه معرفت‌شناختی را به باورهای دینی نیز تسری می‌دهد. او در معرفت‌شناسی دینی یک دلیل‌گرایی مسدود است. هر فردی برای اعتقادات دینی استنتاجی نیازمند اقامه دلیل است و اجازه ندارد چنین باورهایی را از دیگران تقلید کند. مقاله روشن می‌سازد که نگاه شهید مطهری برآمده از متون دینی است. رتوتون دینی به اهمیت و جایگاه والای عقل توجه شده است، به گونه‌ای که بسیاری از خطاهای ناشی از عدم استفاده از عقل دانسته می‌شود. کارکرد عقل نه تنها در فرد بلکه در جامعه نیز مورد رد و باعث آثار مبارکی خواهد شد. مقاله، در کنار این سیر اصلی، دربرگیرنده مطالب متعدد دیگری در مضای فکری شهید مطهری است که از جمله می‌توان به تحلیل ایشان از مفاهیم متعدد عقل اشاره کرد.

حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدعلی عبداللهی، در مقاله «کاربردهای دینی زبان از دیدگاه شهید مطهری»، نظر شهید مطهری را در پاسخ به دو سؤال توضیح داده‌اند: آیا سخن گفتن انسان درباره خدا ممکن است و، اگر پاسخ مثبت است، معنای کلمات در این مقام چیست؟ این دو سؤال از آن رو مطرح می‌شوند که انسان محدود با تنها موجود نامحدود عالم

مواجهه می‌شود و چگونه انسان محدود می‌تواند احاطه معرفتی بر موجودی نامحدود پیدا کند. نویسنده محترم، بعد از طرح مسئله از منظر شهید مطهری، سه دیدگاه مطرح شده در سنت‌های فکری گوناگون را معرفی می‌کنند. در سنت اسلامی، دو نظریه نازوایی سخن گفتن از خداوند به دلیل تعالی الهی و نظریه زوایی سخن گفتن از خداوند مطرح شده است. شهید مطهری، ذیل نظریه نازوایی سخن گفتن از خداوند، به سه تقریر از آن اشاره کرده و آنها را به نقد کشیده‌اند: سخن گفتن از خداوند منجر به تشبیه می‌شود؛ سخن گفتن از خداوند منجر به اتصاف احتمالی خداوند با صفات نقص از سوی انسان می‌شود؛ سخن گفتن از خداوند در تقابل با دستورهای دینی است. مطهری در سه تقریر نظریه نازوایی را نادرست می‌داند. تقریر اول منجر به گرفتار شدن در دام تعطیل می‌شود؛ تقریر دوم ناشی از عدم تمایز میان معرفت به کنه، به عنوان امری محال، و معرفت به وجه، با عنوان امری ممکن، است؛ تقریر سوم نیز به دلیل ناکافی بودن ادله روایی و بی‌توجهی به شرایط صریح احادیث نادرست است. شهید مطهری معتقد به زوایی سخن گفتن از خداوند است. او معتقد است که می‌توان از طریق ذات یا از طریق مخلوقات خداوند را شناخت و درباره او سخن گفت، او با آنکه بر نظریه اشتراک معنوی وجود و تشکیک حقیقت وجود معتقد به نظریه اشتراک معنوی درباره ذات خداوند است که نشان می‌دهد علاوه بر این که سخن گفتن از خداوند ممکن است، کلمات به اررفته به صورت اشتراک معنوی بر خداوند نیز به نحو اعلی و اتم دلالت دارد.

حجة الاسلام والمسلمین دکتر عبدالحسین خسروپناه، در مقاله «قلمرو دین از دیدگاه شهید مطهری»، معلوم می‌سازد که شهید مطهری هم با نگاه درون‌دینی و هم با نگاه بیرون‌دینی به مسئله قلمرو دین توجه کرده‌اند. نویسنده، پس از روشن ساختن مفهوم دین در نگاه شهید مطهری، توضیح می‌دهد که با توجه به دیدگاه شهید مطهری درباره اموری همچون زندگی اجتماعی انسان، آثار دین‌داری و اهداف بعثت انبیا، می‌توان قلمرو دین را از نگاه ایشان استخراج کرد. انسان دارای نیازهای معرفتی همچون شناخت وضعیت خود در جهان، آینده خود، خداوند و رابطه با خداوند، و نیازهایی عاطفی همچون خوشبینی، امیدواری، لذات معنوی، آرامش خاطر و... است. به همین منوال، انسان نیازمند داشتن قوانین کارا در عرصه

اجتماعی و وجود پشتوانه برای آنهاست. همه این موارد با دین پاسخ می‌یابد و لذا دین در تمام ابعاد زندگی بشر، اعم از فردی، اجتماعی، شناختی، عاطفی، رفتاری، دنیوی و اخروی، سران دارد؛ و این به معنای قلمرو وسیع دین در زندگی بشر از دیدگاه شهید مطهری است.

دکتر محسن جوادی، در مقاله «نسبت دین و اخلاق از دیدگاه شهید مطهری»، ابتدا دو مفهوم دین و اخلاق را از دیدگاه ایشان توضیح داده‌اند. اخلاق دستورات مربوط به چگونه زیستن در دو ناحیه چگونه رفتار کردن و چگونه بودن است. در اخلاق با نوع خاصی از ارزش ارتباط داریم که مربوط به سزاواری مدح و ستایش یا نکوهش و مذمت است. هرچند مطهری کمتر به تعریف صریح دین پرداخته و بیشتر کارکردهای آن را توضیح داده است، در مواردی به صراحت دین را نظام جامع ناظر به شناخت، گرایش و قواعد چگونه ساختن انسان برای وصول به کمال معرفی می‌کند. در مراد دین یک ایدئولوژی تلقی شده است که بر سرشت روحانی انسان و چگونگی برقراری توازن میان جنبه مادی و جنبه روحانی او تأکید دارد. جوادی، با نگاه تاریخی به مسئله نسبت میان دین و اخلاق، میان دو نظریه قدیمی «عقل‌گرایی اخلاقی» و «اراده‌گرایی الهیاتی» تمایز می‌نهد. این دیدگاه طرفداران هر یک از این دو نظریه، به بازتقریر نظریه اراده‌گرایی الهیاتی در دوره جدید توجه می‌کند. بر این اساس، نظریه امر الهی در قالب سه خوانش و با اشاره به نمایندگان هر یک از این خوانش‌ها معرفی می‌شود. ابتدا نظریه امر الهی با خوانش معناشناختی و سپس با خوانش متافیزیکی معرفی می‌شود و آنگاه معلوم می‌شود که خوانش متافیزیکی دارای دو تقریر فرعی است که در یک امر و نهی الهی مقوم خوب و بد اخلاقی است و در دیگری امر و نهی الهی علت پیدایی خوب و بد اخلاقی است. در تقریر معناشناختی، معنای خوب و بد اخلاقی با امر و نهی الهی مرتبط است. با ارائه این سه تقریر، جوادی نشان می‌دهد که دیدگاه شهید مطهری از هر سه متمایز است، و در این خصوص باید شهید مطهری را دارای نظریه خاص خود دانست. مطهری جاودانگی اصول اخلاقی را به نیازهای جاودان انسان پیوند می‌زند که مرتبط با «من علوی» اوست. «من علوی» نیز با روح الهی که در انسان دمیده شده مرتبط است و «فطرت» عبارت دیگری برای آن است. لذا در عین

ارتباط اصول اخلاقی با عقل انسان، این اصول با خداوند نیز ارتباط دارند. جوادی، در پایان مقاله، به تفصیل وجه دیگری از دیدگاه مطهری را توضیح می‌دهد؛ اخلاق به لحاظ انگیزش با دین مرتبط است و، به همین دلیل، دین می‌تواند پشتوانه‌ای قوی برای عملیاتی شدن اصول اخلاقی در زیست انسان باشد.

حجة الاسلام و المسلمین دکتر شیروانی، در مقاله‌ای با عنوان «کثرت‌گرایی دینی از منظر شهید مطهری»، مسئله کثرت‌گرایی دینی را از ابعاد گوناگون حقیقت‌شناختی، وظیفه‌شناختی، نجات‌شناختی و هنجاری بررسی کرده‌اند. این ابعاد متکفل پاسخ به پرسش‌های ناظر به حقیقت ادیان، وظیفه انسان‌ها در مواجهه با ادیان، نجات یافتن انسان‌های دین‌دار در داوری الهی و نحوه تعامل و تعاملات با پیروان دیگر ادیان است. مؤلف مقاله نشان داده‌اند که کثرت‌گرایی دینی مسئله‌ای مطرح برای شهید مطهری بوده است. از جمله مطالبی که در این مقاله بسط یافته می‌توان به مفهوم شامل ادیان و دلایل تغییر ادیان، رابطه طولی ادیان با یکدیگر، تمایز میان دین در مقام پیدایش اولیه دین به عنوان یک حقیقت اجتماعی اشاره کرد. در این مقاله آشکار می‌شود که شهید مطهری به حقانیت ادیان در مقام گزاره‌های اعتقادی (در عین پذیرش برتری اسلام بر ادیان دیگر در این عرصه)، نجات برای دیگر ادیان در صورتی که به عدل و انصاف و دیگر صفات محوری اخلاقی متصف باشند، لزوم زندگی مسالمت‌آمیز پیروان ادیان گوناگون معتقد بوده‌اند.

دکتر محمد حسین مهدوی‌نژاد، در مقاله «رابطه علم و دین از منظر شهید مطهری»، در کنار آشنا ساختن مخاطب با اندیشه‌های شهید مطهری در مورد رابطه علم و دین، اطلاعات ارزشمندی نیز درباره دیدگاه‌های معاصر به این مسئله و تاریخچه تطور آن در اختیار خواننده قرار می‌دهد. او با روشن ساختن ویژگی‌های اساسی علم و دین، رابطه آن دو را با الگوی تعارض، تقارن و تعاضد تحلیل می‌کند. شهید مطهری، با به‌کارگیری کلیدواژه‌های امنیت و ارتقا و زیبایی، علم و دین را باعث امنیت بیرونی و درونی، زیبایی بیرونی و درونی و ارتقای عرضی و طولی قلمداد می‌کنند. در نگاه ایشان، علم و دین برای وصول انسان به سعادت ضروری هستند. توضیحات مؤلف محترم روشن می‌سازد که شهید مطهری تعارض علم و دین

را نه یک تعارض واقعی، بلکه یک تعارض برساخته از تعامل معرفتی متولیان معرفت دینی از یک سو و دانشمندان علوم تجربی از سوی دیگر می‌دانند. از میان عواملی که در این زمینه مورد توجه شهید مطهری قرار گرفته‌اند می‌توان به عامل معرفتی «نارسایی مفاهیم دینی-تولیدشده توسط متألّهان مسیحی در قرون وسطی»، عامل رفتاری «عملکرد نادرست بزرگان کلیسا در دروه قرون وسطی» و عامل اجتماعی-علمی «درهم‌تنیدگی اصول ارسطویی با اصول مسیحی در قرن وسطی» اشاره کرد.

مجتبى الاسلام والمسلمين دکتر سيد حسن اسلامى، در مقاله خود با عنوان «مواجهه فيلسوفانه مطهرى با نظريه تكامل داروينى»، تلاش کرده‌اند تا وجه فيلسوفانه مواجهه ایشان با این نظریه را روشن کنند. اسلامى در این مقاله به مؤلفه‌هایی همچون «پاس داشت مقام علم»، «توجه به لوازم فلسفی نظریه تکامل»، «تحلیل نقادانه پیشفرض‌های نظریه تکامل» و «تفسیر دقیق اصطلاحات» اشاره می‌کند. نویسنده نشان می‌دهد که شهید مطهری، به دلیل مواجهه دقیق خود با نظریه تکامل، نه در مقام هم‌نظر، و نه در مقام پاسخ‌گویی به شبهات برآمده از این نظریه، گرفتار خطا نشده است. و به همین علت، موضع شهید مطهری در قبال این نظریه موضوعی متمایز با مواضع دیگر متفکران در دوران ایشان است. خواننده، با مطالعه این مقاله، درمی‌یابد که شهید مطهری، در عین واگذاری تعیین صحت و کذب گزاره‌های علمی ناظر به نظریه تکامل به عالمان علوم تجربی، به لوازم فلسفی این نظریه که غالباً با رویکردی ایدئولوژیک و با هدف تخطئه خداباوری مطرح شده توجه کرده‌اند. در دیدگاه شهید مطهری، کسانی که نظریه تکامل را محملی برای نقد خداباوری قرار داده‌اند رفتار خطایی گوناگون‌اند. آنان غالباً میان صدق و کذب گزارش‌های متون مقدس با خداباوری رابطه‌ای لزومی برقرار کرده‌اند و نیز خلقت ابتکاری و طرح پیشین الهی را پیشفرض‌های بنیادین خداباوری قرار داده‌اند؛ اگر چنین باشد، صحت نظریه تکامل به نفی خداباوری منجر می‌شود. اما مطهری این پیشفرض‌ها را نادرست می‌داند. بخش‌هایی از این مقاله روشن می‌سازد که مطهری سخنانی نیز برای خداپاوران دارد. این گونه نیست که گزارش کتاب مقدس از خلقت انسان گزارشی تاریخی

باشد، بلکه می‌توان آن را خوانشی سمبلیک دانست. همچنین، جایگاه ممتاز انسان در آفرینش، نه به دلیل خلقت متمایز او از دیگر حیوانات، بلکه به دلیل عمل صالح او و استفاده درست او از ظرفیت‌های الهی به ودیعه نهاده شده در اوست. بر این اساس، نظریه تکامل، که خلقت انسان را مشابه خلقت دیگر حیوانات معرفی می‌کند، ضربه‌ای به خداباوری نمی‌زند. توجه دقیق مطهری به اصطلاحات به کار گرفته شده در این نظریه، از جمله مفهوم «تصادف»، از دیگر مباحث مطرح شده در مقاله است که وجه فلسفی مواجهه ایشان با نظریه تکامل را برای خواننده روشن‌تر می‌سازد.

در پایان، بر خود مردم می‌انم، در کنار سپاس‌گزاری از استادان معظم، که با نگارش مقاله این مجموعه علمی با پدید آورده‌اند، از همه عزیزانی که در سامان‌دهی این مجموعه نقش داشته‌اند نیز قدردانی کنم. ابتدا از حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد مطهری که در این مسیر دوستی صادق و مشاوره ساز بودند همچنین مایلیم از جناب آقای محسن فیض‌بخش به طور ویژه تشکر کنم که زحمات علمی متعدد را در به سرانجام رسیدن این مجموعه متقبل شدند. از آقای محمد ابراهیم باسط که ویرایش اثر را به عهده داشتند و از همکاران معاونت پژوهشی بنیاد علمی و فرهنگی استاد مطهری به خصوص آقای دکتر احسان بابایی و آقای روح‌الله چاوشی که در طول به انجام رسیدن این اثر همواره همراه بودند سپاس‌گزارم. امیدوارم این مجموعه مورد توجه علمی استادان و دانشجویان عزیز قرار گیرد و به پیشرفت مباحث فلسفه دین بینجامد.

رضا اکبری

دانشگاه امام صادق علیه السلام